

لشکرکشی هلاکو خان به ایران

چنگیزخان در اواخر عمر، متصرفات خود را که از چین تا اروپا گسترده شده بود، میان چهار فرزند خویش تقسیم کرد.

فرزندان چنگیزخان، پس از مرگ او تصمیم گرفتند بار دیگر به ایران حمله کنند؛ زیرا مردم مسلمان ایران، سلطه‌ی مغول‌ها را نمی‌پذیرفتند و در بعضی شهرها و روستاها قیام‌هایی برضد حاکمان مغول صورت گرفت. به علاوه، اسماعیلیان که در قلعه‌های کوهستانی زندگی می‌کردند، حاضر به تسلیم در برابر مغول‌ها نبودند. خلیفه‌ی بغداد نیز حاضر به اطاعت از خان مغول نمی‌شد. مأموریت حمله به ایران به هلاکو خان، نوه‌ی چنگیز، واگذار شد. این حمله حدود چهل سال پس از حمله‌ی چنگیزخان آغاز گردید. هلاکو خان با سپاهی بزرگ به سوی ایران حرکت کرد. او اسماعیلیان را سرکوب نمود. سپس به بغداد حمله کرد و پس از فتح این شهر، آخرین خلیفه‌ی عباسی را به قتل رساند. بدین ترتیب، حکومت عباسیان در سال ۶۵۶ هجری منقرض شد. سپاهیان هلاکو خان به هر جا که وارد می‌شدند، با قتل و غارت، آنجا را فتح می‌کردند. در نتیجه، بسیاری از شهرها ویران شد و تنها شهرهایی که تسلیم شده بودند، از کشتار و ویرانی نجات یافتند.

حمله‌ی مغول‌ها به ایران

بازرگانی که از طرف چنگیزخان به ایران آمده بودند، به یکی از شهرهای مرزی به نام اُترار وارد شدند. حاکم شهر اُترار که در اموال این بازرگانان طمع کرده بود، آنان را دستگیر کرد و به سلطان محمد خوارزمشاه اطلاع داد که آن‌ها برای جاسوسی آمده‌اند و بهتر است کشته شوند. سلطان محمد نیز سخنان او را پذیرفت. حاکم اُترار دستور قتل بازرگانان را داد و اموال آنان را تصاحب کرد.

هنگامی که خبر این واقعه به گوش چنگیزخان رسید، از سلطان محمد خواست حاکم اُترار را به او تحویل دهد اما چون حاکم اُترار از بستگان ترکان خاتون بود، سلطان از این کار خودداری کرد؛ در نتیجه، چنگیزخان بهانه‌ی لازم را برای لشکرکشی به ایران به دست آورد و در سال ۶۱۶ هجری (حدود ۸۰۰ سال پیش) به ایران حمله کرد.

مغول‌ها وارد ایران شدند و با وجود مقاومت دلیرانه‌ی مردم، به سرعت بسیاری از شهرهای بزرگ را تصرف و ویران کردند. آن‌ها صدها هزار نفر را به قتل رساندند و هر چه می‌توانستند غارت کردند. حمله‌ی مغول وحشیانه‌ترین و زیان‌بارترین حمله‌ها به ایران بوده است.

Torkān Khātūn (Frauennamen)

ترکان خاتون

hier : abhängig

بسته

زیان بار ← زیان آور

اوضاع ایران قبل از تشکیل حکومت صفوی

در سال گذشته خواندید که اوضاع کشور ما پس از انقراض حکومت تیموریان بسیار آشفته و پریشان بود. زیرا به خاطر نبودن حکومتی واحد و قدرتمند، نظم و امنیت مختل می شد، آسایش عمومی از میان می رفت و آبادی ها ویران می گردید. همچنین خواندید که در اواخر قرن نهم هجری حکومت های مختلفی در ایران تشکیل شد. این حکومت ها پیوسته با یکدیگر مشغول جنگ بودند و هر از گاهی یکی از آنها بر دیگری پیروز می شد، چنان که آق قویونلوها موفق شدند قراقویونلوها را از میان بردارند. علاوه بر این، دشمنان خارجی نیز گاه و بیگاه به مرزها هجوم می آوردند؛ مثلاً ازبکان به خراسان حمله می کردند و باعث خرابی های بسیار در این منطقه می شدند. یا پرتغالی ها با کشتی های جنگی خود به خلیج فارس آمده و در صدد تصرف سواحل و جزایر ایران بودند. در کنار این ناامنی ها و آشوب ها، میان مردم نیز تفرقه ی شدیدی وجود داشت که یکی از دلایل آن اختلافات مذهبی بود، زیرا در آن زمان مذهب رسمی در کشور وجود نداشت.

۱۳- فردوسی

(ابوالقاسم منصور بن حسن)

فردوسی طوسی حماسه‌سرای بزرگ ایران (۳۲۹-۴۱۱ هجری = ۹۴۰-۱۰۲۰ میلادی) استاد بی‌همتای شعر پارسی، بزرگ‌ترین حماسه‌سرای ایران و یکی از حماسه‌سرایان بزرگ جهانست. اثر جاویدان او شاهنامه در شمار بهترین آثار حماسی عالم است. این اثر بزرگ که در حدود پنجاه هزار بیت دارد منظوم‌دییست ببحر متقارب در شرح تاریخ ایران از قدیم‌ترین عهد تا حمله عرب در قرن هفتم میلادی که شامل قسمتهای اساطیری و داستانی و قسمت تاریخی است.

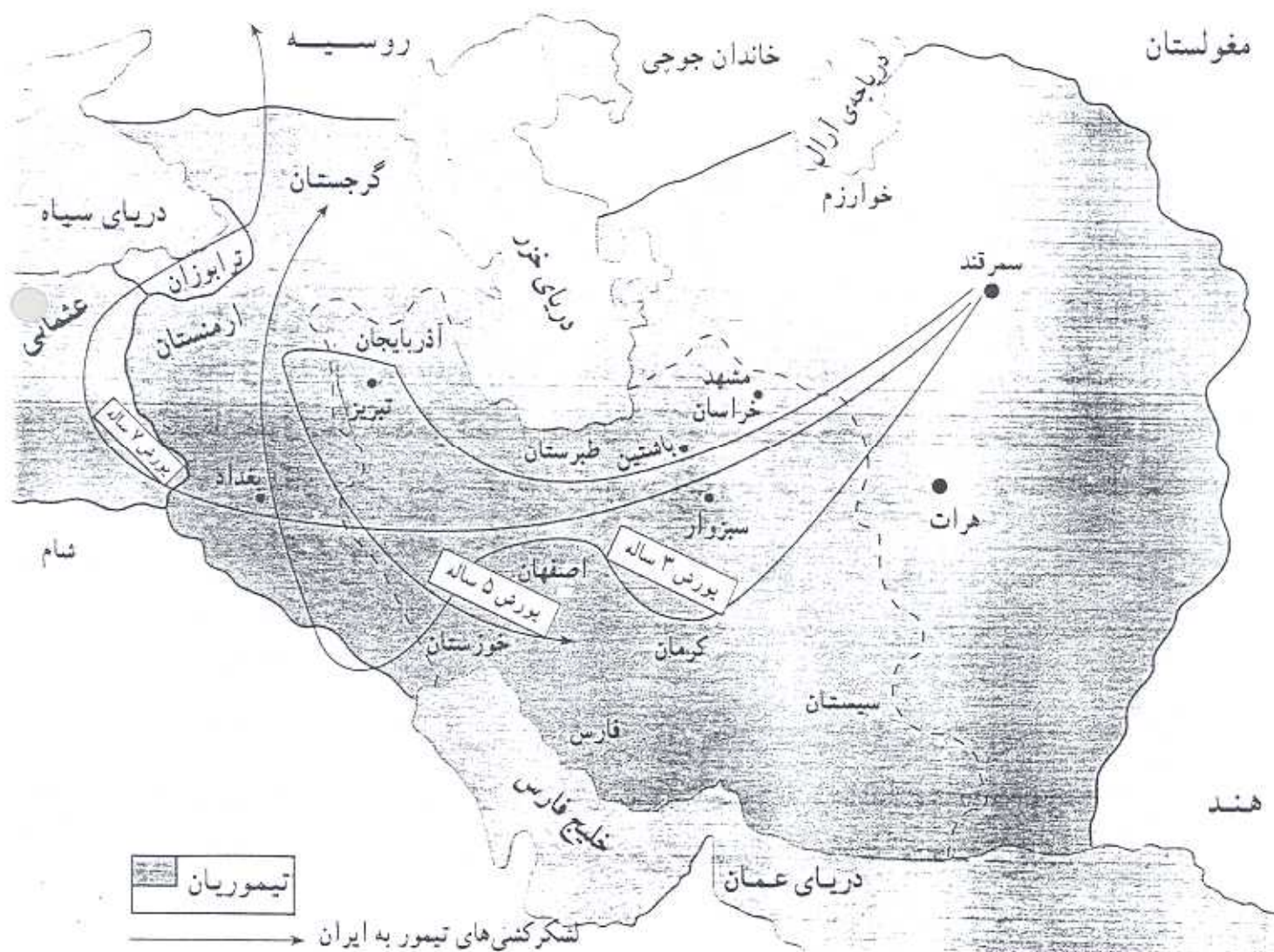
شاهنامه فردوسی بر اثر نفوذ شدیدی که در میان طبقات مختلف ایرانیان یافت، در همه ادوار تاریخی بعد از قرن پنجم هجری مورد توجه بود چنانکه همه شاعران حماسه‌گوی ایرانی تا عهد اخیر تحت تأثیر آن بوده و بر اثر آن کام نهاده‌اند و ترجمه‌هایی از آن بتازی و ترکی و تلخیص‌هایی از آن بنثر پارسی ترتیب یافته‌است. از مقدمه‌هایی که بر آن نوشته‌اند مقدمه قدیم شاهنامه و مقدمه بایسنقری معروفست.

دانشجویان غیور با

تظاهرات دسته‌جمعی و شعارهای انقلابی
کلاسهای درس را تعطیل کرده به خیابانها
سرازیر شدند. شعار «خمینی را آزاد کنید» در
فضای اطراف دانشگاه طنین رعدآسایی داشت.
بازاریان تهران که در تاریخ مبارزات
مذهبی ملی ایران همواره نقش مؤثری داشته‌اند
در روز ۱ خرداد با تمام نیرو به میدان آمدند.
همچنین بارفروشان تهران به محض دریافت
خبر دستگیری امام دست از کار کشیده به صف
تظاهرکنندگان پیوستند. رئیس پلیس تهران
طی تماس تلفنی با مرحوم طیب، از او خواست
که میدانی‌ها را از تظاهرات ضد دولتی بازدارد
ولی از او جواب منفی میشنود، که همین
مقاومت و حضور مؤثر او در صحنه قیام ۱۵
خرداد بعدها منجر به اعدام وی میگردد.

لشکرکشی‌های تیمور

تیمور پس از آن که پایه‌های حکومت خود را محکم ساخت و سمرقند را پایتخت خویش قرار داد، به مناطق اطراف از جمله ایران حمله کرد. چنان‌که خواندید در این زمان چند حکومت محلی در ایران وجود داشت که بیشتر مشغول جنگ با یک‌دیگر و با درگیری‌های داخلی خود بودند. تیمور در لشکرکشی‌هایش عددی زیادی را می‌کشت و حاکمان محلی را مطیع خود می‌ساخت. از جمله این حکومت‌ها حکومت سربداران بود. با این حال در بعضی شهرها از جمله اصفهان قیام‌هایی بر ضد او رخ داد. تیمور در مجموع، سه بار به ایران حمله کرد و طی این یورش‌ها، سراسر ایران و کشورهای اطراف را به خاک و خون کشید و بسیاری از آبادی‌ها را ویران ساخت. در نقشه‌ی زیر مسیر هجوم‌های تیمور به ایران و دیگر کشورهای همسایه از جمله هند، روسیه و عثمانی را می‌بینید.



حملة تیمور به هند و عثمانی

تیمور پس از این پیروزیها به سمرقند بازگشت اما سه سال بیشتر از پایان یورش دوم نگذشته بود که به طمع ثروت اندوزی* به هندوستان حمله برد و قسمتهای وسیعی از آن کشور را به زور تصرف کرد.

سلطان عثمانی از غروری که داشت جنگ با تیمور را آسان پنداشت و به نامه امیر تیمور که او را به صلح خوانده بود اعتنایی نکرد. سرانجام میان تیمور و سلطان عثمانی در آنکارا (آنتوره - آنگوریه) جنگ در گرفت و سلطان عثمانی که قدرت نظامی او لرزه بر اندام قوی ترین پادشاهان اروپایی انداخته بود مغلوب و اسیر شد.

تیمور پس از یورش سوم که هفت سال دوام یافت به سمرقند بازگشت اما کمی بعد با وجود آن که ۷۱ سال از عمرش می گذشت باز هوس جهانگیری کرد و با لشکری بزرگ از سمرقند به سوی چین حرکت کرد، اما چون به شهر اترار (فاریاب) رسید بیمار شد و درگذشت.

* اندوزش mit Prävarizieren

حکومت ظالمانه‌ی بنی‌امیه

معاویه و یزید و جانشینانشان، همگی افرادی ظالم و ستمکار بودند و با اسلام و مسلمانان مخالفت داشتند. آن‌ها بر مردم مالیات‌های سنگین تحمیل می‌کردند و هرگونه مخالفتی را به شدت سرکوب می‌ساختند. در دوران حکومت بنی‌امیه، بسیاری از مسلمانان و به‌خصوص شیعیان آزار و اذیت بسیاری را تحمل کردند؛ در نتیجه، علیه بنی‌امیه قیام‌های زیادی صورت گرفت.

عبداللّه بن زیاد، یکی از سرداران خود به‌نام عمر بن سعد را با سی هزار نفر به صحرای کربلا فرستاد. به عمر بن سعد وعده داده بودند که اگر امام حسین (ع) را به شهادت برساند، حکومت ری را به او خواهند داد (در آن زمان ری از شهرهای بزرگ و مهم ایران بود)؛ به همین جهت، او امام و یارانش را محاصره کرد و آب را بر روی آنان بست. در طول این مدت، امام (ع) بارها با لشکر عمر بن سعد که بیشتر آن‌ها از مردم کوفه بودند، صحبت کرد اما آنان که دنیا دوستی و گناه وجودشان را فراگرفته بود، سخنان امام (ع) را نپذیرفتند.

جنگ آنقوره - پس از آن امیر تیمور با هفتصد هزار سپاه که از کشورها و ملل تابعه گرد آورده بود در نزدیکی شهر آنقوره با سلطان بایزید روبرو شد و پس از جنگ شدیدی که در گرفت شکست بر سپاه عثمانی افتاد و ایلدروم بایزید و یکی از پسرانش اسیر شدند. در باره اسیری ایلدروم و رفتار امیر تیمور با او روایات مختلف نوشته اند. گویا ایلدروم در آغاز کار مورد اعزاز بود ولی بعد از آن که توطئه‌ای از جانب او برای فرار کشف شد کارش سختتر گردید و حتی چنانکه نوشته‌اند او را در قفس آهنین نگاه داشتند تا بمرد.

مرگ امیر تیمور و چگونگی دولت او - تیمور در اواخر یورش هفتساله که هنوز از ورود او به سمرقند پنج ماه تمام نگذشته بود عزم چین و ختا کرد و به طرف مشرق روی آورد ولی در راه بیمار شد و در شعبان سال ۸۰۷ در هفتاد و یک سالگی در گذشت.

سپاه چنگیز در آغاز سال ۶۱۶ به بخارا رسید و آن شهر را فتح کرد و در مدت پنج سال دسته های متعدد مغول شهرهای مرو و بلخ و هرات و طوس و نیشابور و ری و خوارزم و سمرقند را به ویرانه تبدیل کردند و بیش از ده کروار^۱ از مردم ایران را در خراسان و ولایات شمالی به قتل رسانیدند.

چنگیز خان بعد از فتح شهرهای ماوراءالنهر سه تن از سرداران خود را با سه دسته سپاه، مأمور تعقیب سلطان محمد کرد، چه می ترسید او در داخل ایران سپاه بزرگی فراهم آورد و فتوحات او را متوقف سازد. يك دسته از این سپاه به شهرهای خراسان تاخته از راه نیشابور و قوچان و اسفراین و دامغان عازم ری گردید و شهرهای مذکور را به فرمان چنگیز گرفتار آتش و غارت خود ساخت.

دسته دیگر از راه مازندران متوجه ری شد. این دو دسته در ری به یکدیگر پیوستند و آن شهر را، که اهالی آن گرفتار اختلافات مذهبی بودند گرفتند و به ویرانه ای مبدل ساختند.

۱ - هر کروار ۵۰۰ هزار است.

هولاگو پس از آن که مقاومت پیشوای
اسماعیلیان را درهم شکست و قلعه‌های اسماعیلیه
را که در نقاط کوهستانی قرار داشت به تصرف آورد،
به بغداد لشکر کشید و مستعصم سی و هفتمین و آخرین
فرمانروای عباسی را با جمعی از عباسیان کشت و
بدین ترتیب دولت ۵۲۵ ساله عباسی را برانداخت.
با فتح بغداد و سرنگون کردن خلافت عباسی
گرچه ایران اسلامی از سلطه ظالمانه عباسی رهائی
یافت و بغداد پس از پنج قرن که بر تمام کشورهای
اسلامی فرمانروایی داشت اهمیت دینی و سیاسی خود
را از دست داد و در ایران شهرهایی از طرف امیران
مغول به پایتختی انتخاب شد، اما این رهائی به قیمت
ویرانیها و تلفات بیشماری تمام شد و گنجینه‌های
علمی و کتابهای ارزنده نابود گشت.

شاه اسماعیل هشت سال با مخالفان و سرکشان
داخلی جنگید و پس از آن که همه آنان را فرمانبردار
خویش ساخت روبه بغداد نهاد و برآن شهر که در
در دست مراد میرزا آق قویونلو بود دست یافت.
با فتح بغداد، شاه اسماعیل سلسله ترکمانان
را از ایران و عراق برانداخت و شهرهای کربلا و
نجف را متصرف شد.

هنگامی که شاه اسماعیل، سرگرم جنگ با
مراد میرزا آق قویونلو در عراق بود شیبک خان ازبک
که در مذهب تسنن تعصب شدید داشت به آزار
شیعیان خراسان پرداخت و به کرمان و شهرهای
داخلی ایران دست اندازی کرد. شاه اسماعیل نامه ای
دوستانه به او نوشت و وی را از تجاوز به ایران برحذر
داشت اما خان ازبک به غرور پاسخی جسورانه به
نامه شاه اسماعیل داد. پس شاه اسماعیل در صدد
تنبیه او برآمد و عازم جنگ با شیبک خان گردید.

در جریان حملات مغولان، تقریباً بیشتر شهرهای ایران ویران شده بود تنها قسمتهایی از آذربایجان و نواحی جنوبی ایران به خصوص سرزمین فارس از تهاجم مغول آسوده ماند و فرمانروایان آن نواحی که به اتابکان معروف بودند با حسن سیاست و قبول پرداخت باج و خراج توانستند از هجوم سیل مغول جلوگیری کنند.

حملات مغول نه تنها شهرها را ویران کرد بلکه بر اثر آن، قسمت عمده جمعیت ایران به خاک و علاکت افتادند و بخش بسیار بزرگی از مراکز علمی، ادبی و هنری ایران نابود شد. کتابخانه‌ها سوخت و کتابهای نفیس که حاصل زحمات هزاران دانشمند در مدت چندین قرن بود از میان رفت و علاوه بر آن عده بسیاری از بزرگان رشته‌های مختلف علمی، هنری، ادبی و دینی به دست مغولان کشته و یا به دستور چنگیز به عنوان اسیر به مغولستان فرستاده شدند.

پیدایش حکومت ترکان در ایران

در دوره ساسانیان در شمال رودخانه جیحون قومی می زیستند به نام (ترك). اینان که از صحرای سرد و سخت خود همواره در رنج بودند میل داشتند به سرزمینهای معتدل و آباد و دشتهای پرسبزه و گیاه خراسان بکاوچند و گوسفندان خود را چرا دهند. اما تا سلسله ساسانی وجود داشت از هجوم آنان جلوگیری می شد. پس از اینکه این سلسله به دست عربها از میان رفت دیگر مانعی وجود نداشت پس گوسفند، چران و به آرامی، قبیله قبیله، به سمت خراسان می کوچیدند و به زندگی می پرداختند.

در قرون اول اسلام سرداران اسلام به قصد جهاد و پیش بردن اسلام به سرزمینهای ترکستان حمله می بردند و در جنگ با ترکها پسران و دختران ترك را اسیر می گرفتند و در بازارهای برده فروشی به عنوان غلام و کنیز می فروختند. این غلامان به علت لیاقت مورد توجه اربابان خود قرار می گرفتند و در دستگاه خلفا و امرا و درو قیمت می یافتند و به مقامهای بزرگ می رسیدند. به این صورت عنصر ترك در کشورهای اسلامی پراکنده شد .

پس از آن که

شاه اسماعیل مذهب شیعه را در ایران رسمیت داد، دولت عثمانی خود را در برابر دولتی توانا و پیرو مذهب تشیع یافت و از این بابت سخت نگران شد. در این تاریخ، سلطان سلیم خان اول (۹۱۸-۹۲۶ هجری) در عثمانی سلطنت می کرد و چون برادرزاده اش به نام سلطان مراد به ایران پناهنده شده بود سلطان این امر را بهانه ساخت و از راه ارمنستان به آذربایجان تاخت و دستور داد چهل هزار تن از پیروان آیین تشیع را که در آناتولی مقیم بودند هلاک کنند.

در دشت چالدران (در حوالی خوی) میان شاه اسماعیل و سلطان عثمانی جنگی سخت در گرفت که ضمن آن پادشاه صفوی با شمشیر به توپخانه عثمانی حمله برد ولی چون ایرانیان اسلحه آتشین نداشتند، پیشرفتهای نخستین شاه اسماعیل به جایی نرسید و خود او عقب نشینی کرد و به طرف همدان رفت. سلطان سلیم وارد تبریز شد ولی به سبب خصومت اهالی بیش از شش روز در آنجا نماند و از شهر خارج شد و شاه اسماعیل دوماه بعد وارد تبریز گشت.

پس از شهادت امام هفتم، حضرت امام علی بن موسی الرضا (ع) به امامت رسیدند و بعنوان رهبر مسلمانان شروع به فعالیت علمی، سیاسی و اجتماعی نمودند.

مأمون چون از نفوذ و محبوبیت اهل بیت پیامبر (ص) در بین مسلمانان خصوصاً ایرانیان آگاه بود دست به یک نیرنگ سیاسی زد. از یک طرف برای این که امام رضا (ع) را از مدینه مرکز اسلام دور کند و تحت نظر خود داشته باشد و از سوی دیگر ظاهراً به مردم ایران نشان دهد که چقدر به ائمه ارادت دارد، امام رضا (ع) را مجبور کرد که از مدینه به مرو بروند. به عبارت ساده تر امام رضا (ع) را تبعید کرد. نخست خواست که امام رضا (ع) را ولیعهد خود کند اما امام ابتدا حاضر به پذیرفتن چنین مقامی نشد زیرا می دانست که این یک نیرنگ سیاسی بیش نیست، ولی سرانجام مأمون امام (ع) را مجبور به پذیرفتن ولیعهدی کرد.

بحرانهای اقتصادی

اگرچه انگیزه حرکت‌های مردمی تنها در بهبود وضعیت اقتصادی جامعه خلاصه نمی‌شود اما بهر حال مردمی که علیه استبداد قیام کرده بودند امید داشتند که پس از پیروزی منابع ثروت به جامعه بازگردد و به مصرف عمومی برسد. مردم تصور می‌کردند که پس از انقلاب مشروطه بحرانهای مالی از میان خواهد رفت و حداقل کاهش خواهد یافت. اما نه تنها چنین نشد بلکه قحطی‌های گسترده‌ای در اقصی نقاط کشور ایران به وجود آمد. با تسلط بیگانگان به بازارهای ایران، اندک تجارت موجود نیز به رکود کشیده شد. فشار اقتصادی گاه چنان بود که مردم در بعضی نقاط برای تأمین مایحتاج زندگی مصیبت‌های زیادی را تحمل می‌کردند. گاه قحطی بیداد می‌کرد و قربانیان زیادی می‌گرفت. چنین وضعی نیز مردم را به سوی حکومتی کشاند که ادعای از بین بردن مشکلات اقتصادی را داشت.

فتح تهران و سقوط محمد علی شاه

پس از آنکه تلاشهای روسیه و انگلستان برای ممانعت از ورود مردم به تهران بی نتیجه ماند، گروههایی که عازم تهران بودند، در روز چهارشنبه ۲۵ جمادی الاخر سال ۱۳۲۷ هجری قمری وارد تهران شدند. نیروهای شاه مدت دو روز در مقابل آنان مقاومت کردند، اما سرانجام شکست خوردند و روز جمعه تهران سقوط کرد و شاه برای اینکه به جنگ مردم نیفتد به سفارت روسیه پناه برد.

فاتحان تهران در بهارستان به تشکیل شورایی مبادرت ورزیدند. این شورا محمد علی شاه را از سلطنت خلع کرد و فرزند ۱۲ ساله اش احمد میرزا را به سلطنت برگزید. همچنین شورای مذکور دست به تشکیل هیئت مدیره موقت زد و با انتخاب ۲۲ نفر به عنوان اعضای هیئت مدیره، اداره موقت امور کشور را به آنان سپرد. هیئت مدیره که وجود شاه مخلوع را در تهران خطرناک می شمرد، با جلب موافقت دو سفارت روسیه و انگلستان، پس از اینکه جواهرات و اسناد دولتی را از او گرفتند، وی را با تعهد اینکه سالانه صد هزار تومان به عنوان مستمری دریافت کند از کشور تبعید کردند. قرار شد که این تصمیم ظرف پانزده روز عملی شود و شاه ایران را ترک گوید.